

زنان و تبعیض

تبعیض جنسی و افسانه‌ی فرصت‌های برابر

کیت فیگز

ترجمه:

اسفندیار زندپور

به دخت مال امیری



نشر گل آذین

تأسیس ۱۳۷۷

فهرست

- مقدمه مترجم ۷
- فصل اول - تبعیض جنسی علیه زنان ۱۱
- فصل دوم - زنان و بازار کار ۲۷
- زاهدمنشی در مقابل ارباب منشی ۴۳
- فصل سوم - سقف شیشه‌ای چیست؟ ۷۵
- به دنبال تحول فرهنگی ۱۰۱
- فصل چهارم - زنان و مجازات مادر شدن ۱۱۱
- مشکل مهدکودک ۱۴۱
- فصل پنجم - زنان به عنوان نیروی کار ارزان ۱۷۹
- پیمان‌کاری رده دوم و شورای دستمزد اضافی ۲۱۰
- فصل ششم - تبعیض جنسی و افسانه‌ی فرصت‌های برابر ۲۲۳
- هزارتوی قانون حقوق برابر ۲۳۶
- سیاست‌های فرصت برابر و واحد زنان ۲۵۹
- فصل هفتم - فمینیسم و افسانه‌ی جنگ میان زن و مرد ۲۸۹

فصل اول

تبعیض جنسی علیه زنان

زمانی که نخستین فرزندم پا به عرصه وجود گذاشت، دکتر فراموش کرد به من بگوید فرزندم پسر است یا دختر. لحظات سختی را پشت سر گذاشته بودم و زایمان توأم با جراحی بود. دکتر نوزاد را به آن سوی اتاق که محلی برای قراردادن نوزادان بود برد و توجه چندانی به محیط اطراف نداشت، پس از فروکش کردن درد و سختی زایمان لحظه شماری می کردم تا جنسیت فرزندم برایم مشخص شود. در حالی که دکتر مشغول معاینه و واریسی نوزاد بود سؤال خود را مطرح کردم.

دکتر با لحنی بی تفاوت گفت: «دختره». آنقدر بی تفاوت بود که انگار اسم اتومبیل اش را می گفت. از لحن سخن اش کاملاً مشهود بود که می خواست بگوید چه فرقی می کند که نوزاد پسر باشد یا دختر. در واقع آنچه برای او به عنوان یک پزشک بالاترین درجه اهمیت را داشت سلامتی نوزاد و مادر بود و به هیچ عنوان جنسیت نوزاد برای او اهمیتی نداشت. اما این موضوع برای من فوق العاده حایز اهمیت بود.

حال صاحب دختری می شوم که حداقل من و او جنسیتی مشترک داریم. می دانستم که تقدیر دخترم این است که اگر بخواهد در رشته مورد علاقه اش موفق باشد باید بیشتر از یک مرد که از لحاظ موفقیت با او همسان است تلاش کند. این احتمال وجود دارد که دخترم به افسردگی،

خشم و یأسی عمیق فرو رود یا گاهی به اوج خلسه و احساسات صعود کند. این است تجربه‌ای که یک زن کسب می‌کند. تا قبل از این که من تحقیق و تفحص در مورد این کتاب را آغاز کنم و تصمیم به تألیف این کتاب بگیرم، واقعاً این فکر به طور جدی به ذهنم خطور نکرده بود که تلاش او در عصر طلایی^۱ «فرصت‌های برابر» چقدر سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. زیرا برخلاف نظر دکتری که کمک کرد دخترم به دنیا بیاید، هنوز اکثر مردم در وهله اول یکدیگر را با نوع جنسیت تعریف می‌نمایند و از دیدگاه تعصبات خاص جنسیت با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. ما فقط مردان و زنان را می‌بینیم، به جای این که افرادی با نیازهای مجزا، تفاوت‌ها و سهمی برای ساختن جامعه را در نظر بگیریم.

و ما به‌عنوان یک جامعه تاکنون به زنان حقوق مدنی برابر با مردان اعطاء نکرده‌ایم. اگر در واقع فرصت برابر به زنان اعطاء نشده، اما سخن‌پردازی همراه با تبلیغات گسترده پیرامون برابری فرصت بین زن و مرد به‌طور چشمگیری در جامعه موفقیت‌آمیز بوده است. گناهی متوجه جوانان نیست اگر با این فکر بزرگ می‌شوند که اکنون برابری بین زن و مرد وجود دارد؛ و هر مزیت و فرصتی که برای مرد وجود دارد، در اختیار زن نیز می‌تواند قرار گیرد. و تنها زن باید شهامت گرفتن آن را داشته باشد. زنان اکنون می‌توانند به هر شغلی که دوست دارند بپردازند مثل: مدیرکل، مهندس، یا نخست‌وزیر. زنان می‌توانند اتومبیل‌های پرسرعت را برانند، هر جا که می‌خواهند بروند، در هر کجا و با هر کسی که دوست دارند زندگی کنند و با استفاده از وسایل ضدبارداری^۲، تعداد فرزندان خود را کنترل کنند. اکنون که قرار است جامعه به اندازه کافی تغییر و تحول داشته

1. Golden Age of "Equal Apportunity".

2. Contraceptive.

باشد تا تمام نیازهای زنان را برآورد، اگر زنان به جاه‌طلبی‌های خویش دست نمی‌یابند، تنها خود آنها هستند که مقصراند و می‌بایست مورد سرزنش قرار گیرند.

افسانه برابری فرصت‌ها موجب بروز دروغ‌هایی درباره کارکردن زنان شده است که بی‌اعتبارکردن این دروغ‌ها به مراتب دشوارتر است آن‌هم در شرایطی که رسانه‌های گروهی تشخیص می‌دهند فمینیسم دیگر از مُد افتاده، و کلمه پسافمینیسم^۱ را در اذهان منتشر می‌کنند تا بدین وسیله مرگ فمینیسم را اعلام نمایند. به ما می‌گویند حالا که زنان هر نوع حق و امتیازی دارند که زمانی تنها در انحصار مردان بود، دیگر به مردان نیازی ندارند. در نتیجه این مردان هستند که در بحران قرار گرفته‌اند و نه زنان؛ و این بحران این است که زنان از لحاظ جنسی و اقتصادی بی‌نیاز از مردان‌اند، این بحث همچنان ادامه دارد، به طوری که زنان بیش از پیش بدخو و خشن شده‌اند. فرض غلط این است که افزایش تعداد مردان بی‌کار با افزایش زنان شاغل^۲ ارتباط مستقیم دارد. فرض این است که یک ظرف بزرگ کار وجود دارد، که با پیمانانه برابر آن‌را تقسیم می‌کنند. در حقیقت دو بازار کار مجزا وجود دارد، که از لحاظ جنسیت از یکدیگر جدا می‌شوند، و یکی از این دو بخش به‌طور چشمگیری دستمزد بیشتری دریافت می‌کند و این بازار مختص مردان است. دلیل واقعی ازدیاد بیکاری مردان در کشور انگلیس، کوچکتر شدن دائمی کارخانه‌های تولیدی از سال ۱۹۵۰ می‌باشد.

این در حالی است که بخش خدمات^۳ رشد کرده و برای پرداخت دستمزد کمتر، به دنبال استخدام مادران و زنان متأهل هستند. نگرش جدید چنین است که اکثر شغل‌هایی که به تازگی ایجاد شده‌اند در اختیار

1. Postfeminism.

2. Working Women.